

## قرآن؛ کتابی شگفت انگیز

گری میلر

برگردان: صلاح الدین توحیدی

شگفت انگیز دانستن قرآن فقط به مسلمانانی که این کتاب برایشان ارجمند و مورد احترام است، مربوط نمی شود بلکه غیر مسلمانان نیز آن را کتابی شگفت انگیز می دانند و حتی افرادی نیز که به شدت از اسلام متنفرند، به شگفت انگیز بودن آن اقرار می کنند .

آن چیزی که مایه ی تعجب غیر مسلمانانی که این کتاب را به دقت مورد مطالعه قرار داده اند، می باشد اینست که قرآن، خود را آنگونه که آنان انتظار داشتند، نشان نداد. آنچه که آنان در ابتدا تصور می نمودند این بود که آنان سرگرم بررسی کتابی قدیمی هستند که چهارده قرن پیش از صحرای عربستان سر بر آورده است و انتظار داشتند که این کتاب نیز خود را اینگونه نشان دهد یعنی کتابی قدیمی از دل صحرا. اما به زودی در یافتند که این کتاب به هیچوجه با آنچه که آنان انتظار داشتند، شباهت ندارد. علاوه بر این یکی از اولین فرضیاتی که در مورد قرآن به ذهن بعضی از افراد می رسید، این بود که چون این کتاب قدیمی از دل صحرا آمده است لذا باید مطالبش در مورد صحرا [و زندگی در بیابان] باشد. آری اگر چه در بعضی از آیات هنرمندانه در مورد صحرا موضوعاتی بیان شده است، در مورد دریاها و به ویژه حالت طوفانی آن نیز سخن به میان آمده است .

چند سال پیش در تورنتو، داستان مردی را شنیدم که در یک ناوگان بازرگانی مشغول به کار بود و از راه دریا تجارت می کرد. روزی یک مسلمان ترجمه ای از قرآن را به این مرد داد تا آن را مطالعه نماید. مرد تاجر چیزی در مورد تاریخ اسلام نمی دانست اما به خواندن [ترجمه ی] قرآن علاقه داشت. وقتی که او تمام ترجمه ی قرآن را مطالعه نمود، کتاب را به آن مسلمان پس داد و گفت: آیا محمد [پیامبر شما] ملوان بوده است؟

او از اینکه قرآن چنان با دقت شرایط طوفانی دریا را توصیف نموده بود، تحت تأثیر آن قرار گرفته بود و هنگامی که به او گفته شد: نه، در حقیقت محمد در صحرا زیسته است، برای او کافی بود و مرد در همان لحظه با آغوش باز اسلام را پذیرفت. او از توصیف قرآن متأثر شده بود زیرا او خود سالهای زیادی را در دریا به سر برده بود و به نظر او هر کسی که چنین توصیفی را نوشته است باید سالهای زیادی را در دریا و در حالات طوفانی آن سپری کرده باشد. این توصیف «امواجی بزرگ و برفراز آن نیز امواجی بزرگ قرار گرفته و بر فراز آن امواج تیره خیمه زده باشند» توصیفی نیست که یک نفر بتواند فقط از روی خیالات خود چنین چیزی بنویسد بلکه آن باید توسط کسی نوشته شده باشد که واقعاً شرایط طوفانی دریا را احساس کرده و از حالات آن به خوبی آگاه باشد .

این فقط یکی از نمونه هایی است که نشان می دهد قرآن به زمان و مکان مشخصی محدود نمی باشد. اینکه افکار و اندیشه های علمی بیان شده در قرآن نیز چهارده قرن پیش از [افراد] یک محیط بیابانی نشأت گرفته باشد، امر مسلمی به نظر نمی رسد.

قرنها پیش از آغاز پیامبری محمد [(صلی الله علیه وآله وسلم)] نظریه ی مشهوری در مورد اتم توسط دیموکریتوس، فیلسوف یونانی، ارائه شده بود . او و افرادی که بعد از او آمدند چنین می پنداشتند که هر ماده از ذرات بسیار ریز، فنا ناپذیر و غیر قابل تقسیم ساخته شده است که اتم نامیده می شوند. عربها نیز با چنین مفهومی سر و کار داشتند؛ در حقیقت کلمه ی عربی «ذره» به طور عادی به کوچکترین چیز شناخته شده برای انسان گفته می شد. اما اکنون دانش مدرن کشف نموده است که این کوچکترین واحد هر ماده (یعنی اتم که

دقیقاً همه ی ویژگیهای عنصر خود را داراست) را می توان شکافت و اجزای سازنده ی آن را شناخت. این ایده، ایده ای جدید و از نتایج پیشرفت در قرن اخیر است اما آنچه که جالب است این است که این اطلاعات قبلاً به صورت مکتوب و مستند در قرآن آمده است، آنجا که می گوید: «وزن ذره ای در آسمان و زمین و کوچکتر از آن... از پروردگارت پنهان نمی ماند».

بدون شک چهارده قرن پیش، این عبارت حتی برای یک عرب نیز غیر عادی بوده است، در نظر او از ذره کوچکتر چیزی وجود نداشت. در واقع این خود دلیلی است که قرآن کتابی قدیمی و منسوخ نیست... (به اصل کتاب رجوع شود)

اگر کسی چنین فرض نماید که قرآن محصول ذهن یک بشر است، پس باید انتظار داشته باشد که بخشی از آنچه که در ذهن تصنیف کننده ی آن می گذشته است، در آن منعکس شده باشد. در واقع دایرةالمعارفهای معین و کتابهای مختلفی وجود دارند که مدعی هستند قرآن محصول تصورات و اوهامی است که در ذهن محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) می گذشته است. اگر این ادعاها صحت داشته باشند یعنی اگر حقیقتاً قرآن از مسایل و مشکلات روانی ذهن محمد نشأت گرفته باشد، پس باید دلیلی بر این ادعا در قرآن پدیدار باشد. آیا چنین دلیل و مدرکی وجود دارد؟ برای تعیین اینکه آیا چنین مدرکی وجود دارد یا خیر، باید ابتدا تعیین نمود که چه چیزهایی در ذهن محمد در آن زمان وجود داشته است و سپس این افکار و واکنشهای آن را در قرآن جستجو نمود.

اینکه محمد زندگی سختی را به سر برده است، مسئله ای است که عموماً بر آن آگاهی دارند. همه ی دخترانش به جز یکی از آنها قبل از او وفات نمودند. او دارای همسری بود که سالهای متعددی را با او به سر برده بود و نزد او بسیار محبوب و دارای اهمیت بود و این همسر محبوب پیش از او و در یکی از بحرانی ترین دوران زندگی او وفات یافت. در حقیقت او [خدیجه] باید زن کاملی باشد زیرا هنگامی که برای اولین بار وحی بر محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل شد، او از حالت دلهره و نگرانی خود به همسرش پناه برد. قطعاً در دوران کنونی نیز به سختی می توان عربی را پیدا نمود که بگوید هنگام ترس و نگرانی به سمت خانه اش می دود تا به زنش پناه برد. زیرا اصولاً اعراب چنین نیستند. با این وجود محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) به اندازه ی کافی در کنار همسرش احساس راحتی و آسودگی می کرد که به چنین عملی مبادرت ورزد. و این نشان می دهد که آن زن [خدیجه] تا چه اندازه مؤثر و قوی بوده است.

گرچه این مثالها تنها تعداد اندکی از موضوعاتی می باشند که ذهن محمد را به خود مشغول کرده بود، برای اثبات قوت نظر من کافی هستند. قرآن به هیچکدام از این موضوعات اشاره نکرده است، نه به مرگ فرزندان، نه به مرگ یاور و همسر محبوبش و نه به ترس و دلهره اش از مرحله ی اولیه ی [نزول] وحی که او با همسرش با حالتی زیبا و دلنشین در مورد آن به مشورت نشست. از آنجایی که بازتاب روانی این موضوعات به او صدمه زده، او را اذیت نموده و به غم و غصه دچار نموده اند، باید بحث آنها و دیگر مسائل مشابه به آنها، در قرآن متداول می بود و یا حد اقل در جایی از قرآن به آنها اشاره می شد.

بررسی قرآن با یک روش علمی واقعی امکان پذیر است زیرا قرآن موضوعاتی را ارائه می دهد که به صورت عام در سایر مذاهب و به ویژه در دیگر کتب آسمانی ارائه نشده اند. و این چیزی است که دانشمندان به دنبال آنند.

امروزه افراد زیادی هستند که نظریات و تئوریهایی در باره چگونگی عملکرد جهان هستی دارند. این افراد در سراسر جهان پراکنده اند ولی جامعه ی علمی این زحمت را به خود نمی دهد که حتی به حرفهای آنان گوش

فرادهد، زیرا در طی قرن اخیر جامعه ی علمی به دنبال معیارها و آزمونهای برای ابطال نظریات بوده است [ونه اثبات آنها] . آنها می گویند اگر شما نظریه ای دارید، با بیان آن ما را به زحمت نیندازید مگر اینکه همراه با آن نظریه، روش و معیارهایی را برای آزمایش آن به ما ارائه دهید تا با بررسی آن معیارها درستی و بطلان نظر شما اثبات شود.

دقیقاً به علت چنین معیار و آزمون بود که جامعه ی علمی در اوایل قرن بیستم حاضر شد به نظریات انشتین گوش فرا دهد. او نظریه ی جدیدی را ارائه داد وگفت من معتقدم که جهان اینگونه کار می کند و سه روش برای اینکه ابطال نظریه ی من را نشان دهد، وجود دارند . بنا براین جامعه ی علمی نظریه ی او را در معرض آزمایش آن سه روش قرار داد و نظریه ی او بعد از گذشت شش سال، موفقیت خود را در آن سه روش اثبات نمود. البته این مسئله ثابت نمی کند که انشتین مرد بزرگی بوده است بلکه ثابت می کند که او شایستگی آن را داشت که به سخنانش گوش فرا داده شود زیرا او بیان نمود: این نظر من است و اگر شما می خواهید بطلان و اشتباه بودن آن را ثابت نمایید، اینگونه عمل ویا آنگونه تلاش نمایید. آنچه که قرآن نیز می گوید دقیقاً همین گونه است یعنی ارائه ی معیارهایی برای بطلان آن. بعضی از این معیارها قدیمی هستند از آن جهت که قبلاً صحت آنها ثابت شده است و تعدادی از این معیارها امروزه نیز در قرآن وجود دارند.

قرآن اساساً بیان می کند که اگر این کتاب آنچه که خود ادعا می کند، نیست این عمل و یا آن عمل و یا اعمال بعدی را انجام دهید تا ثابت نمایید که ادعای آن باطل است. البته پس از گذشت هزار و چهارصد سال، کسی قادر نبوده است که این عمل، یا آن عمل و یا اعمال بعدی دیگر را انجام دهد و از این رو این ادعا، امروزه نیز صحیح و معتبر محسوب می شود.

من به شما پیشنهاد می کنم که بعد از این اگر کسی در مورد اسلام با شما مجادله نمود و ادعا نمود که حقیقت نزد اوست و شما در گمراهی و تاریکی به سر می برید تمام استدلالها در رد او را کنار بگذارید و به او فقط یک پیشنهاد بدهید؛ از او بپرسید: آیا در دین شما هیچ معیار و آزمون برای باطل نشان دادن خود آن دین وجود دارد؟ آیا چیزی که اگر من وجود آن را ثابت کنم، دین شما باطل به حساب آید، در دین شما وجود دارد؟ خوب، من از هم اکنون به شما قول می دهم که مردم در این مورد هیچ معیار، آزمون و یا مدرک و دلیلی در دست ندارند زیرا مردم اصلاً به چنین چیزی فکر نمی کنند که نه تنها اعتقاداتشان را به دیگران ارائه نمی دهد بلکه فرصتی را نیز به آنان می دهد تا در مورد آن تحقیق کنند و باطل بودن آن را ثابت نمایند. اما چنین معیار و آزمون در اسلام وجود دارد. یک مثال کامل در مورد اینکه اسلام چگونه برای بشر فرصت تحقیق در مورد اعتبار خود و باطل نشان دادن آن را فراهم می نماید، در [آیه ای از] سوره ی چهارم [نساء] بیان شده است. صادقانه بگویم هنگامی که برای اولین بار به این مبارزه طلبی پی بردم، کاملاً شگفت زده شدم. این آیه می گوید: «آیا در مورد قرآن نمی اندیشند که اگر از طرف کسی دیگر غیر از خدا آمده بود، هر آینه در آن اختلافات و تناقضات زیادی می یافتند» . [(نساء/82)] .

این آیه غیر مسلمانان را به چالش و مبارزه طلبی فرا می خواند و اساساً آنان را دعوت می کند که در قرآن یک اشتباه را پیدا کنند. در حقیقت جدای از حدیث و مشکل بودن اینگونه مبارزه طلبی، اقدام به آن در قدم اول از طبیعت بشری خارج و با شخصیت انسانی در تناقض است . هیچ دانش آموزی بعد از جواب دادن به سئوالات امتحان، یاداشتی به معلم نمی دهد که در آن نوشته شده باشد جوابهای من کامل و بدون نقص است، شما اگر می توانید در آن نقص و اشتباهی پیدا کنید. معمولاً کسی چنین عملی را انجام نمی دهد زیرا در این صورت معلم تا اشتباهی را پیدا نکند، خواب به چشمش راه نمی یابد.

برگرفته از بیداری اسلام

با تشکر از [حاج آقا دلنواز تبریزی](#) به خاطر این مقاله.

<http://islamlibrary.persiangig.ir>

[/http://islam-pdf.persiangig.ir](http://islam-pdf.persiangig.ir)